راپورت‌های داش‌منوچ

بازگشت منوچ تایرلِوِر

آقایی که شما باشی، تو جاده پشت رُل رخش‌مون سیر آفاق و انفس می‌کردیم و دم غروبی تو جاده بندر، تصنیف‌های شیش و هشتی دوران میرزا وزوزك زمزمه می‌کردیم و همزمان حال مبسوطی هم به تخمه جاپونی‌های کله‌قوچی‌طور می‌دادیم که صدای نوکیا یازده دو صفر گوشت‌کوبی از روی داشبورد بلند شد.

میزممصادق راپورتچی بود از جریده فخیمه جام‌جم که آقا چه نشسته‌ای که بازار سینما و فیلم و عشق فیلم‌ها این روزا داغه و حیفه که منوچ تایرلور عشق سینما که یه زمونی تو سینما واسه خودش کسی بوده و شب و روزش پشت آپارات به هم دوخته شده بود از قافله جا بمونه.

حالا گیریم این اواخر از فشار این زمونه بی‌صاحاب کارش به بلیت‌فروشی هم افتاده بود، ولی به قول یارو گفتنی از اسب افتادیم از اصل که نیفتادیم! این آخری رو داش منوچ تو دلش گفت البت!

حالا درسته که ما پشت رُل و از دهنی اون یازده دو صفر گوشت‌کوبی هرچی به این جام‌جم‌چیا توپیدیم که بابا ما آرادامون بیختیم و آلکامونو آویختیم و از تو سینما چیزی واسه ما در نیمیاد و دیگی که از توش چیزی واسه ما در نیاد بذار سر اون جونورِ چهارپای باوفا توش بجوشه؛ تو کتِ این روزنومه‌چیای جام‌جمی نرفت که نرفت!

داش‌منوچ‌تون لُنگو انداخت رو داشبورد اف‌هاش و سفارش سالار رو به غلوم شاتره کرد و یه صفایی به سر و کله داد و موها رو آب‌شونه‌ای زد و دربست گرفت واسه جشنواره!

القصه و غرض که به لطف حضرات روزنومه‌چی بامعرفت جام‌جم، داش‌منوچ شما یه ده روزی، خط بندر رو بی‌خیال شده و اف‌هاش عروسکی‌شو زده گوشه پارکینگ

غلوم شاتره (پایین میدون شوش) و دوباره مث اون قدیما با رگ قلنبیده شده سیمایی راهی سالن تاریك شده!

خدا سایه این روزنومه‌چی‌ها رو از سر داش‌منوچ کم نکنه که هنوز یه جو معرفت و مردونگی تو وجودشون هست که بفهمن این قلب صنبوری منوچ تایرلِوِر واسه سینما و سالن تاریك و اون بزن بهادر بازی‌های روی پرده، شده قد سوراخ جوراب مورچه‌های پامنارا! از خودِ اوس کریم پنهون نیست از شوما هم پهون نباشه که این ستون رو زدن به نام ما و قراره تو این ده دوازده روز، هر روز یه سری دری‌وری‌جات اینجا بلغور کنیم! خلاصه که داش منوچ برگشته؛ منوچ تایرلور دوباره برگشته! آق منوچِ عشق سینما برگشته!

گفت‌وگو با اکبر زنجانپور، بازیگر فیلم «معکوس» که روز گذشته در جشنواره فیلم فجر اکران شد

بساز بفروشی سینما را مبتذل می‌کند

عکس: مجید آزاد/ جام جم

۱۰

از حواشی بحث‌برانگیز مراسم افتتاحیه فجر تا تناقض‌های مدیریت فرهنگی

قرار نبود این جور شه!

فاطمه ترکاشوند

کارشناس ارشد هنر

اولین کلیپ مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم فجر، شب گذشته با یك دیالوگ ویژه تمام شد: «به وا... قرار نبود این جور شه!» جمله مشهور شخصیت کمال در فیلم لاتاری که بیرون کشیدن آن از جهان فیلم و قرار دادنش در کلیپی به مناسبت بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، نوید بروز حواشی جدیدی در این مراسم را می‌داد. تك‌خوانی یك خانم خواننده در تئاتری به کارگردانی محمد رحمانیان حاشیه پرسروصدایی بود که خیلی زود دست‌کم برخی مسؤولان حاضر در سالن را به واسطه اعتماد بی‌شائبه، اما غیردوراندیشانه‌شان غافلگیر کرد. طبق آخرین اطلاعات موجود، حرکت خودسرانه رحمانیان و بدقولی او در هماهنگی با مدیران جشنواره برای استفاده از علی زندوکیلی، علت بروز این حواشی بوده است. اما آیا مسأله به همین جا ختم می‌شود؟

آفرین! تو بردی

محمد رحمانیان سال‌هاست که نمایشنامه‌های بسیاری را روی صحنه برده و تفکر و ذائقه و سبك او نزد عموم جامعه تئاتری و هنری کشور، شناخته شده است. فارغ از کلیت جهان فکری این مولف، چند سالی است که رحمانیان بر مسأله خوانندگی زنان توجه و تمرکز ویژه‌ای داشته است.

آخرین تئاتر او که به‌سادگی می‌شد این دغدغه کارگردانش را در آن دید، سال ۹۵ با عنوان «مسافران» روی صحنه رفت. اجرای جدید این تئاتر در واقع نمایشنامه‌خوانی در قالب موسیقی. نمایش بود که اولین اجرای آن به سال ۸۵ برمی‌گشت و در فواصل تك‌گویی‌های بازیگران، قطعاتی با اجرای خوانندگان محدود خوانده می‌شد.

آقای کارگردان در یکی از شب‌های اجرای این نمایش در سالن تئاتر شهر، از حضار در سالن خواهش کرد که به علت حواشی‌ای که ممکن است موجب توقیف تئاتر شود، از فیلمبرداری با موبایل، خودداری «ویژه‌تری» کنند و علت آن هم به‌زودی معلوم شد. گرچه این موسیقی. نمایش، حول نام رضا یزدانی تبلیغ می‌شد، اما اغلب قطعات را زنان می‌خواندند؛ شیوه اجرا به این صورت بود که دو یا سه خانم روی سن می‌ایستادند، اما دو نفر فقط لب می‌زدند و همخوانی نداشتند و نفر سوم تك‌خوانی می‌کرد. این روش تجربی را می‌توان محصول برخوردهای قبلی‌تر این کارگردان با مسأله ممیزی دانست و کمی قبل‌تر هم دردسرهایی برای نمایش «نام تمام مادران» ایجاد کرده بود. مساله خوانندگی و به خصوص تك‌خوانی زنان البته در سال‌های اخیر مورد توجه بخشی از مردان کارگردان در سینما و تئاتر کشور بوده است، اما محمد رحمانیان به شکل ویژه‌ای بر آن تمرکز داشته و این میزان از توجه حتما موضوعی نیست که از چشم مدیران فرهنگی کشور به دور مانده باشد.

به خدا اطلاع نداشتیم یا عذر بدتر از گناه

اما بیایید فرض کنیم مدیران فرهنگی از این میزان دغدغه این کارگردان اطلاعی نداشتند. رحمانیان، نام کوچکی در جامعه هنرهای تصویری و نمایشی کشور نیست. بی‌اطلاعی از جهان فکری او، علائق و دغدغه‌هایش، برای مدیران فرهنگی، شبیه آن است که بپذیریم می‌شود باغبان بود، اما درخت چنار را از بوته شمشاد تشخیص نداد یا راننده بود و جای فرمان را با دنده اشتباه گرفت. بدون تردید، هنرمندان هم از هر طیف و دسته و گروهی، از این که با مدیران فرهنگی سروکار داشته باشند که سبك کاری آنان را می‌شناسند و هر چیزی را در جای درستش قرار می‌دهد، بیشتر استقبال می‌کنند. حالا باید انتخاب کنیم که کدام فرضیه را درباره مدیران فرهنگی کشور بپذیریم که موجه‌تر باشد. انتخاب دشواری است! مدیری که از ذائقه هنرمندان و همکارانش مطلع نیست، اما بر مسند مدیریت نرم‌ترین حوزه فرهنگی کشور قرار دارد یا مدیری که به‌رغم داشتن شناخت کافی از رویکردهای همکارانش، دست به انتخاب‌های عجیب زده و جای مسائل و آدم‌ها را با هم قاطی می‌کند.

اگر نباید آن طور می‌شده پس باید چطور می‌شده؟

به سی و هفتمین دوره جشنواره فجر برگردیم؛ به‌مهم‌ترین رویداد هنری کشور در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی. به جایی که گردانندگانش لابد معتقدند «به وا...» نباید این طور می‌شده که الان هست و ناگهان، آن طورِ دیگری که باید می‌شده، عملا روی صحنه می‌آید. گروهی از خانم‌ها روی سن حاضر می‌شوند، نمی‌خوانند اما لب می‌زنند و خانم دیگری که چیدمان صحنه و جدا شدنش از سایرین، به وضوح بر تك‌خوان بودن او تاکید دارد و صدایش هم به وضوح شنیده می‌شود، قطعه‌ای را اجرا می‌کند، اما خانم خواننده در وضعیت دراماتیك و پرتنشی، اجرایش را به سرانجام می‌رساند؛ وضعیتی که یك سمتش غافلگیری مسؤولان نامطلع است؛ سمت دیگرش، کارگردانی که احساس پیروزی و به ثمر نشستن تلاش‌های چندساله‌اش را دارد؛ سوی دیگر افکار عمومی که باز هم با حل معضل استانداردهای دوگانه فرهنگی تنها مانده است. قطعه در سالن به طور کامل اجرا می‌شود، اما صدا و سیما آن را پخش نمی‌کند. به دنبال جنجالی شدن این حاشیه، کانال رسمی جشنواره اعلام می‌کند که صدای گروه همخوانان در سالن می‌آمده اما در فیلم‌های منتشر شده مشخص نیست.

اما بعد باز هم خبر می‌آید که کارگردان در اقدامی خودسرانه، خواننده اصلی را جابه‌جا کرده است. همه ترفندها، هنوز هم ساده‌تر از آن هستند که مخاطب بتواند احتمال بدهد در نظر گردانندگان صحنه، صاحب اندکی عقل و خرد فرض شده است! و همین‌طور، موقعیت‌های پرتناقض، پشت سر هم ساخته می‌شوند و مدیران هم مجبور به موضعگیری‌های پرتناقض شود. اما تمام این اتفاقات به سرعت به فراموشی سپرده می‌شود و ما می‌مانیم و سؤالاتی که بدون جواب‌های منطقی، در معرض تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده قرار گرفته‌اند.

Seyyed Abbas Salehi
@S_A_Salehi

افتتاحیه جشنواره فیلم فجر برگزار شد. با گرامیداشت برخی هنرمندان وکلیپ تاثیرگذار در منقبت صدیقه اطهر (س) در پایان نمایشنامه‌ای از چهل‌ساله سینما روایت شد و در پایان سرودی با عنوان سلام به چهل‌سالگی. جز صدای جمع‌خوانی به من نمی رسید. به دوستانم گفته‌ام قانون و شریعت معیار است.

وزیر فرهنگ هم با انتشار یک توییت نسبت به حواشی روز افتتاحیه واکنش نشان داد

امروز چی داریم؟

گزارش یك جشن

جشنواره فیلم فجر آغاز شده و طبعا گل سر سبد صفحات فرهنگی هر رسانه‌ای به این رویداد فرهنگی اختصاص دارد. پر واضح است که ما هم از این قاعده مستثنا نیستیم و از دیروز دو صفحه میانی بخش فرهنگی را اختصاص دادیم به مهم‌ترین رویداد سینمایی سال ایران. جشنواره فیلم فجر هم که همیشه و هرسال برای خبر و حاشیه خوراك داشته است. امسال هم که حاشیه‌هایش از همان افتتاحیه آغاز شد و فرصت به اکران فیلم‌ها نداد! امروز اما در این صفحات می‌توانید گفت‌وگویی با **اکبر زنجانپور**، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران بخوانید؛ بازیگری که حالا چند دهه است روی صحنه تئاتر می‌درخشد و حضورش در هر فیلم سینمایی می‌تواند تماشاگر جدی سینما را مجاب کند که حداقل فیلم را به واسطه حضور او می‌توان تماشا کرد. روز گذشته از او فیلمی روی پرده رفت که بسیار وسوسه‌برانگیز بود هم به دلیل نام کارگردان آن و هم البته حضور اکبر زنجانپور در این فیلم. اولین ساخته پولاد کیمیایی به نام «معکوس» با بازی این بازیگر خوشنام اکران شد و باید دید از نظر مردم و منتقدان حاصل این همکاری مشترك چه چیزی از آب درآمده است. البته اکبر زنجانپور در گفت‌وگویش با جام‌جم فقط به این فیلم اشاره نکرده است و اشاره‌های تند و تیزی هم به وضعیت سینمای ایران داشته که گفت‌وگو را پر مغزتر و خواندنی‌تر کرده است. از همه حاشیه‌های روز افتتاحیه و روز اول جشنواره هم می‌توانید مطلبی در این دو صفحه پیدا کنید.

البته که رد جشنواره فیلم فجر را می‌توانید در همین صفحه هم بزنید! جایی که فاطمه ترکاشوند، سراغ حاشیه‌های روز اول جشنواره رفته است. امسال افتتاحیه جشنواره فیلم فجر همراه شد با **تك‌خوانی یك زن روی صحنه** و همین کافی بود تا موجی از انتقادات از همان آغاز جشنواره کلید بخورد. فاطمه ترکاشوند، اما در کنکاش دلایل حواشی مراسم افتتاحیه است و به همین بهانه سراغ تناقض‌های مدیریت فرهنگی کشور رفته که اتفاقا در این چند سال کم هم نبوده است.

البته که رنگ و بوی سینما در صفحات امروز ما بسیار بیشتر است. کیکاووس زیاری امروز در صفحه سینمای جهان رفته است سراغ قسمت تازه مجموعه اکشن و علمی - تخیلی **«سفرهای ستاره‌ای»**. مجموعه‌ای که در سراسر جهان طرفداران پر و پاقرصی داشته. از شواهد بر می‌آید که قسمت تازه این مجموعه با دردسرهای زیادی روبه‌رو بوده است و فعلا قرار نیست وارد مرحله تولید شود. این در حالی است که کمپانی پارامونت مدتی قبل از شروع کار قسمت چهارم سری تازه این اکشن ماجراجویانه آینده‌نگرانه خبر داده بود، اما حالا با کناره‌گیری کارگردان انتخابی این فیلم، سرنوشت آن دوباره در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.